

بحران مدیریت خشکسالی

«جام جم» گزارش می دهد

بازی اول جام ملت ها را ۱-۴ بردیدیم

آغاز پُرگل ایران

۱-۴



«جام جم» موضوع خرید حق پخش جام ملت های آسیا را بررسی کرده است

اعتبار حق پخش؛ سند علییه دروغ

آمریکا با حملات اخیر، منافع خود را در معرض حملات یمن قرار داده است

عزم یمنی برای آمریکازدایی

۱۸-۱

گفت وگو با نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن درباره دلایل افزایش قیمت در بازار

واردات قطره چکانی خودرو

۱۳-۱

در اولین کنفرانس طوفان الاقصی و بیداری و جدان بشری مطرح شد

انفعال اعراب؛ توحش اسرائیل

۲-۱

نگاهی به حضور آثار صداوسیما در جشنواره عمار

رسانه ملی یار «عمار»

۶-۱

گفت وگو

مدیرکل امور تامین کالا و خدمات سازمان صداوسیما

در گفت وگو با «جام جم» مطرح کرد

حق پخش را رسماً خریده ایم

مجید بالایی، مدیرکل امور تامین کالا و خدمات سازمان صداوسیما در گفت وگو با جام جم درباره خرید حق پخش رقابت های جام ملت های آسیا روشنگری و بیان کرد: قرارداد سه جانبه میان کنفدراسیون فوتبال آسیا، فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و سازمان صداوسیما مبنی بر حق پخش و استفاده رسانه ای از جام ملت های آسیا منعقد شده است. بر همین اساس تیم های خبری و فنی سازمان صداوسیما درحال حاضر مجوز حضور در دهکده بازی ها را دارند و در آنجا حاضر هستند. وی افزود: کدهای سیگنال پخش توسط برگزارکننده مسابقات در اختیار خریداران حق پخش قرار گرفته است و در این روزها صداوسیما نیز بر این اساس بازی ها را پخش می کند. بالایی تصریح کرد: همان طور که بیان کردم بر همین اساس است که سازمان صداوسیما در این مسابقات گزارشگر فعال دارد. اگر غیر از این بود اجازه نمی دادند خبرنگار ما با دوربین در آنجا گزارش تهیه کند؛ همچنین سیگنال پخش مسابقات را هم در اختیار نداشتیم. یکی از شبهاتی که به خرید حق پخش وارد شده، این است که نام سازمان صداوسیما به عنوان پخش کننده مسابقات در سایت AFC ثبت نشده است. بالایی در این خصوص به جام جم توضیح داد: بنا به برخی ملاقاتاتی که در عرصه بین المللی وجود دارد، واحد برگزارکننده مسابقات اسم سازمان صداوسیمای ایران را در سایت شان قرار نداد؛ ولیکن با ما همکاری دارند. این رویه جدیدی نیست و در سال های گذشته هم برای دیگر رویدادها وجود داشته است. وی ادامه داد: قرارداد طبق تفاهمی میان کنفدراسیون فوتبال آسیا، فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و سازمان صداوسیما منعقد و اجرایی شده است. سازمان صداوسیما حق پخش را رسماً خریداری و هزینه آن را پرداخت کرده است. هیچ خدشه ای بر این قرارداد وارد نیست. مدیرکل امور تامین کالا و خدمات سازمان صداوسیما تأکید کرد: این قرارداد به صورت انحصاری در کل محدوده سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در اختیار سازمان صداوسیماست. هیچ پلتفرم و شبکه ای بدون مجوز سازمان صداوسیما اجازه پخش این رقابت ها را نخواهد داشت. درواقع این حق منحصر برای مجموعه شبکه های این سازمان و پلتفرم هایی است که از صداوسیما مجوز لازم را اخذ کرده باشند. ممکن است به برخی پلتفرم های زیر نظر صداوسیما، بنا بر سیاست های این سازمان، اجازه پخش داده شده باشد. ممکن است طبق سیاست ها این مجوز به پلتفرم های دیگر هم داده شود. تصمیم گیرنده در این خصوص سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است.

جام ملت ها

بازی اول را ۱-۴ بردیدیم

آغاز پُرگل ایران

یک شروع مطمئن با زدن سریع ترین گل جام، با پرگل ترین برد در نیمه اول و البته پرگل ترین برد در روز سوم جام ملت های آسیا. تیم ملی فوتبال ایران با برتری ۴ بر یک مقابل فلسطین، شروع خوبی در قطر داشت تا قبل از هر چیزی به مربی حریف گوشزد کند این تیم به اندازه زاین و کره جنوبی شانس قهرمانی دارد. کریم انصاری فرد در دقیقه ۲، شجاع خلیل زاده در دقیقه ۱۲، مهدی قائدی در دقیقه ۲۸ و سردار آزمون در دقیقه ۵۵ زنده چهار گل ایران در بازی دیشب بودند و تک گل فلسطین هم در آخرین ثانیه های نیمه اول توسط تامر صیام به دست آمد. با این پیروزی ایران با ۳ امتیاز و تفاضل بهتر نسب به اماراتی که مقابل هنگ کنگ به برتری ۳ بر یک رسیده بود، در صدر جدول گروه C ایستاد. تیم ملی در دومین بازی خود جمعه به مصاف هنگ کنگ می رود.

یادداشت

سیدرضا صدر/حسینی/تحلیلگر مسائل بین الملل

شناخت ناقص آمریکا از توانمندی های مردم یمن

چند روزی است که از حملات تجاوزکارانه آمریکاوانگلیس به مناطقی از سرزمین یمن می گذرد و اکنون سوال اصلی این است که آیا این حملات توانسته ضربه ای به توان نظامی یمن وارد کند و آیا امکانات و تجهیزات نظامی این کشور آسیب دیده است و آیا این حملات در اراده ملت یمن برای حمایت از مردم غزه خللی وارد کرده است؟ در واقع همه این سوالات، مواردی است که در حال حاضر در میان استراتژیست های آمریکایی مورد بحث و گفت وگو قرار می گیرد و ملاحظه می کنیم که رسانه های این کشور نیز همچنان در حال بررسی این مساله هستند. در این میان باید تأکید کرد که یکی از دلایل مهم عدم شناخت دقیق آمریکا از توانمندی و تجهیزات و اراده و عزم مردم یمن، غفلت این کشور از این منطقه استراتژیک و سپردن آن به هم پیمانان خویش در منطقه بوده است. درست است که در طول ۱۰ سال گذشته، کمک های غرب و به ویژه آمریکا به انتلاف ضدیمن، لحظه ای قطع نشده و دائماً بهترین و مجهزترین تجهیزات نظامی با نظارت مستشاران نظامی غرب در اختیار کشورهای عضو ائتلاف ضدیمن قرار می گرفت اما اقدامات اخیر آمریکاشان داد که اطلاعات دقیقی از شرایط و توان فعلی یمن در واشنگتن موجود نیست.

شاهد این مساله هم این بود که حملات اخیر به مناطقی صورت گرفت که قبلاً توسط ائتلاف ضدیمن بارها مورد حمله هوایی قرار گرفته بود و حتی یکی از پادگان های یمن که در عملیات اخیر آمریکا مورد هجوم قرار گرفت، قبلاً به مرتبه توسط ائتلاف ضدیمن مورد حمله هوایی قرار گرفته و چیزی از آن باقی نمانده بود. بنابراین به نظر می رسد حمله به یمن، یک خطای راهبردی از سوی آمریکا بود چرا که این کشور در هفته های گذشته همواره در پیام های علنی و خصوصی و در مصاحبه ها و مواضع رسانه ای به صورت پرتکرار این موضوع را مطرح می کرد که به دنبال کنترل جغرافیایی جنگ در غرب آسیاست و علاقه مند نیست که جنگ از حوزه جغرافیایی غزه گسترش پیدا کند اما اقدام نظامی اخیر که از سوی آمریکا وانگلیس انجام شد نشان داد که این مواضع، هیاهویی بیش نبوده و اتفاقا جنگ طلبی آمریکا، عامل اصلی گسترش جنگ در منطقه راهبردی غرب آسیا و به ویژه دریای سرخ و گذرگاه باب المندب است که بخش قابل توجهی از تجارت جهانی و به ویژه تامین انرژی جهان را در بر می گیرد. آمریکایی ها با حمله به یمن نشان دادند که علاقه ای به صلح و امنیت و ثبات در این منطقه نداشته و دلیل این ادعائیز موضع گیری تعداد کثیری از کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه و آلمان است که نسبت به این اقدام آمریکا وانگلیس اظهار تاسف کرده و نگران زمستان سردی هستند که در اروپا پیش بینی شده است.

برخی دیگر از کشورهایی هم که نام شان از سوی آمریکا به عنوان اعضای ائتلاف ضدیمن نام برده شد، نسبت به این مساله ابراز بی اطلاعی کردند. این اقدام و تهاجم نظامی آمریکا حتی مورد تشکیک کشورهای عضو ائتلاف ضدیمن نیز قرار گرفت تا جایی که عربستان و امارات نیز نسبت به این موضوع اظهار نگرانی کرده و گفتند که ما شرایط منطقه را با حاسیت ویژه پیگیری می کنیم و علاقه مند نیستیم که منطقه به ناامنی و بی ثباتی دچار شود. در جمع بندی سخن باید گفت که پاسخ سوالاتی که در ابتدای مطلب مطرح شد منفی است چرا که نه توان رزمی یمن کاهش یافته و نه در عزم و اراده آنها خللی ایجاد شده است. نتها نتیجه و پیامد تهاجم نظامی آمریکا به یمن، افزایش قیمت انرژی در جهان و همچنین ناامن شدن گذرگاه مهمی همچون گذرگاه باب المندب و دریای سرخ است و متهمان اصلی این اقدامات ناامن ساز در حوزه یکی از ژئوپلیتیک ترین مناطق دریا نوردی، آمریکا وانگلیس هستند.

نگاه

حنیف غفاری / عضو شورای سردبیری

اعتراف ناخواسته کربی

جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید با ادعای این که آتش بس اکنون به نفع حماس خواهد بود، گفت: به همین دلیل دولت آمریکا مخالفت توقف جنگ غزه است. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا نیز پس از سفر به تل آویو و رایزنی با مقامات رژیم اشغالگر، مدعی شد به جای آتش بس و توقف جنگ، باید اقدامی صورت داد که غیرنظامیان در غزه کمتر آسیب ببینند! این مواضع وقیحانه در حالی بیان می شود که تاکنون نزدیک به ۲۵ هزار فلسطینی در بیماران غزه، خان یونس و مناطق دیگر به شهادت رسیده اند و حملات صهیونیست ها حتی برای یک لحظه قطع نمی شود. رمزگشایی از مخالفت مقامات آمریکایی و صهیونیستی با آتش بس، چندان پیچیده و دشوار به نظر نمی رسد. تل آویو به هیچ یک از سه هدف اعلامی اولیه یعنی آزادی اسرا، نابودی حماس و اشغال غزه نرسیده و شواهد شکست میدانی آن در شمال و جنوب غزه روز به روز نمایان تر می شود. جان کربی و بلینکن نتوانسته اند این حقیقت را پنهان کنند که اگر جنگ در همین نقطه پایان یابد، قطعاً حماس پیروز میدان نبرد خواهد بود اما سؤال این است که آیا ادامه جنگ می تواند چنین معادله ای را به سود تل آویو و واشنگتن تغییر دهد؟ پاسخ این سؤال منفی است! ابعاد فرامتنی و میدانی نبرد غزه به گونه ای ترسیم شده که در آن، زمان صرفاً تبدیل به کاتالیزور و عاملی تسریع کننده به سود منافع جبهه مقاومت خواهد بود. به عبارت بهتر، فرسایشی شدن نبرد و خرید زمان توسط نتانیاهو و بایدن برای ادامه جنگ، قطعاً منتج به تحقق هیچ یک از اهداف سه گانه مشترک واشنگتن و تل آویو نخواهد شد و صرفاً هزینه و دامنه شکست این دو در تقابل با مقاومت فلسطین را افزایش خواهد داد. در ابعاد فرامتنی ما جزا نیز دقیقاً همین قاعده صادق است. مخالفت افکار عمومی منطقه و جهان با موجودیت و توحش رژیم اشغالگر صهیونیستی، تشدید مخالفت افکار عمومی فلسطین و کشورهای مسلمان با راهکار دو دولتی و تشدید بحران های داخلی در اراضی اشغالی از جمله تبعات جنگ غزه بوده که ابعاد آن نسبت به روزهای ابتدایی جنگ نیز گسترده تر شده است.

در چنین معادله ای اصرار آمریکا بر ادامه جنگ غزه، از یک سونشان دهنده دستان خالی صهیونیست ها تاکنون (۱۰۰ روزگی جنگ غزه) و از سوی دیگر، بیانگر حمایت مطلق واشنگتن از تل آویو در روند ظلم و نسل کشی در نوار غزه است. مقامات ارشد دولت بایدن طی روزهای اخیر بارها تلاش کرده اند میان رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر رژیم اشغالگر صهیونیستی در قبال جنگ غزه تفکیک و تمایز قائل شوند اما مواضع اخیر بلینکن و کربی نشان می دهد حتی در ابعاد تاکتیکی جنگ غزه نیز هر دو بازیگر، کاملاً همسان و در همپوشانی مطلق با یکدیگر عمل می کنند. ارائه نشانی های نادرست، گمراه کننده و تحریف وقایع میدانی و تحلیلی جنگ غزه به یک دستورالعمل سیاسی و رسانه ای در غرب تبدیل شده اما به نظر می رسد تاریخ مصرف این بازی نخب نمای غربی- صهیونیستی به پایان رسیده است. از سوی دیگر، ورود هوشمندانانه و قاطعانه مقاومت یمن در جنگ غزه بیش از پیش بر شدت استیصال و سردرگمی منطقه ای واشنگتن و متحدانش افزوده است. انصارا... به عنوان یکی از ارکان منظومه مقاومت قواعد بازدارندگی و اقدام در برابر دشمنان را به خوبی آموخته و در این معادله نیز راهبردها، تاکتیک ها و محاسبات منطقه ای آمریکا و رژیم اشغالگر قدس را هدف قرار داده است. پیوستگی نوار غزه و دریای سرخ در این آوردگاه قابل توجه است. بدیهی است که آینده میزویی جنگ غزه و متعلقات آن برپمانی تحقق اهداف کلان و حتی میان مدت و کوتاه مدت دشمنان امنیت منطقه، ترسیم نخواهد شد.